

به نام خدا

## بحران بدهی ایالات متحده آمریکا (بررسی مقدماتی)

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۵.....	تاریخچه
۹.....	حجم بدهی‌ها
۹.....	عدم شمول دیون ضمانت شده
۱۰.....	نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی
۱۲.....	سقف بدهی
۱۳.....	رتبه اعتباری
۱۳.....	صاحبان اوراق بدهی
۱۵.....	علل اصلی رشد فزاینده بدهی ایالات متحده آمریکا
۱۹.....	آثار اقتصادی سطح بدهی بالا
۲۰.....	آینده وضعیت مالی دولت فدرال
۲۱.....	هزینه‌های بهره
۲۲.....	آیا بدهی به سازمان‌های دولتی واقعاً بدهی تلقی می‌شود؟
۲۳.....	ساعت بدهی ملی
۲۳.....	منبع و مأخذ



## بحران بدهی ایالات متحده آمریکا (بررسی مقدماتی)

### چکیده

از سال مالی ۲۰۰۳، بدهی ناخالص ایالات متحده آمریکا به‌طور سالیانه بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار افزایش یافته است، این رقم در سال مالی ۲۰۰۸ یک تریلیون دلار، در سال ۲۰۰۹، ۱/۹ تریلیون دلار و در سال ۲۰۱۰، ۱/۷ تریلیون دلار بوده است. کل بدهی عمومی بالغ‌بر ۱۴/۳۴ تریلیون دلار می‌شود که ۹/۷۸ تریلیون دلار توسط مردم نگهداری می‌شود و ۴/۵۶ تریلیون دلار نیز از آن سازمان‌های دولتی است.

تا پایان فصل دوم سال ۲۰۱۱، تولید ناخالص داخلی ایالات متحده بالغ‌بر ۱۵ تریلیون دلار می‌شود. بنابراین نسبت کل بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی به حدود ۱۰۰ درصد می‌رسد که سهم آنچه که در دست مردم است بالغ بر ۶۵/۲ درصد است. این سطح از بدهی به همراه سطح کسری بودجه یکی از دلایل آن است که در ۵ آگوست سال جاری مؤسسه رتبه‌بندی استاندارد پورز چشم‌انداز اعتباری ایالات متحده را از AAA به AA منفی برای ۱۲ تا ۱۸ ماه آینده کاهش داد. در ۶ آگوست ۲۰۱۱، این مؤسسه رتبه اعتباری ایالات متحده آمریکا را به AA مثبت برای اولین بار در تاریخ این کشور کاهش داد.

دلیل اصلی رشد فزاینده بدهی‌های ایالات متحده آمریکا افزایش مخارج دولت و کاهش مالیات‌ها از سال ۲۰۰۱ به بعد است که بخشی از افزایش مخارج در نتیجه پیر

شدن جمعیت و افزایش هزینه‌های درمانی سالخوردگان و هزینه تأمین اجتماعی و بخشی نیز در نتیجه سیاست‌های اعمال شده در دوره ریاست‌جمهوری بوش و از جمله هزینه‌های جنگ عراق و بسط یافتن آن سیاست‌ها در دوره ریاست‌جمهوری باراک اوباما بوده است. همچنین رکود سال ۲۰۰۸ نیز آن را تشدید کرده است.

### مقدمه

در این گزارش نمایی از وضعیت بدهی ایالات متحده آمریکا ارائه می‌شود که شامل تاریخچه بدهی‌های این کشور، حجم بدهی‌ها و نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی است. در ادامه رابطه سقف بدهی‌ها و رتبه اعتباری بررسی شده است. همچنین بزرگترین طلبکاران ایالات متحده یا به عبارتی صاحبان اوراق بدهی این کشور را معرفی و سپس دلایل رشد فزاینده بدهی و آثار اقتصادی سطح بدهی بالا را بر این کشور بررسی شده است. در ادامه گزارش روند آتی وضعیت مالی دولت فدرال ترسیم شده و هزینه‌های بهره بدهی‌ها ارائه می‌شود. در انتها تفاوت آثار بدهی دولت فدرال به سازمان‌های دولتی و عموم مردم مقایسه می‌شود.

بدهی عمومی ایالات متحده آمریکا معیار اندازه‌گیری دیون مالی دولت فدرال ایالات متحده است و توسط خزانه‌داری ایالات متحده در دو جزء و یک کل ارائه می‌شود:

۱. اوراق خزانه که در دست مردم و مؤسسات خارج از دولت فدرال<sup>۱</sup> است (بدهی خالص).

۱. دولت فدرال شامل فدرال رزرو، دولت مرکزی و دولت‌های محلی است.



۲. اوراق خزانه‌ای که در حساب‌ها نگهداری می‌شود و متعلق به سازمان‌های دولتی است مانند صندوق پس‌انداز تأمین اجتماعی که توسط اداره تأمین اجتماعی مدیریت می‌شود.

۳. کل بدهی که مجموع دو جزء بالاست (بدهی ناخالص).

بدهی عمومی ناخالص با کسری بودجه سالیانه افزایش و با مازاد بودجه سالیانه کاهش می‌یابد. کسری یا مازاد بودجه دولت فدرال، تفاوت نقدی بین دریافت‌ها و پرداخت‌های دولت، صرف‌نظر از انتقالات درون دولت است، اما مخارج مشخصی وجود دارند که به بدهی ناخالص اضافه می‌شوند اما در کسری بودجه لحاظ نمی‌شوند. کسری بودجه بر مبنای نقدی محاسبه می‌شود و نه تعهدی، گرچه کسری بودجه بر مبنای تعهدی اطلاعات بیشتری را در مورد آثار بلندمدت عملیات سالیانه دولت به دست می‌دهد.

از سال مالی ۲۰۰۳، بدهی ناخالص ایالات متحده آمریکا به‌طور سالیانه بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار افزایش یافته است، این رقم در سال مالی ۲۰۰۸ یک تریلیون دلار، در سال ۲۰۰۹، ۱/۹ تریلیون دلار و در سال ۲۰۱۰، ۱/۷ تریلیون دلار بوده است. کل بدهی عمومی بالغ بر ۱۴/۳۴ تریلیون دلار می‌شود که ۹/۷۸ تریلیون دلار توسط مردم نگهداری می‌شود و ۴/۵۶ تریلیون دلار نیز از آن سازمان‌های دولتی است.

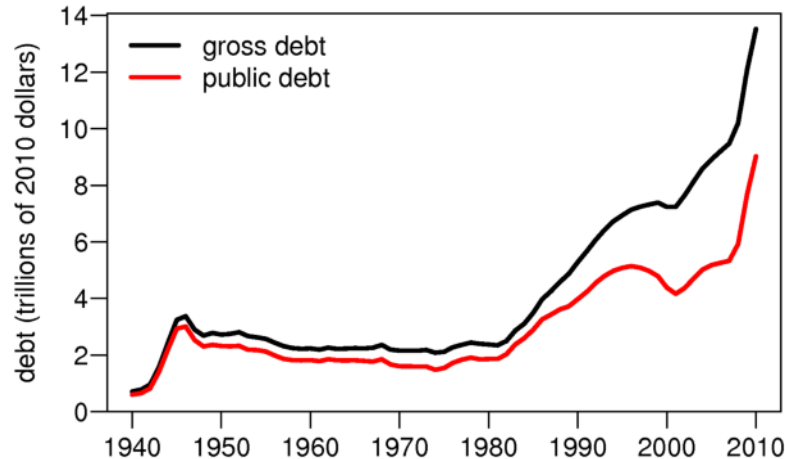
تا پایان فصل دوم سال ۲۰۱۱، تولید ناخالص داخلی ایالات متحده بالغ بر ۱۵ تریلیون دلار می‌شود. بنابراین نسبت کل بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی به ۱۰۰ درصد می‌رسد که سهم آنچه که در دست مردم است بالغ بر ۶۵/۲ درصد است. این سطح از بدهی به همراه سطح کسری بودجه یکی از دلایل آن است که در ۵

آگوست سال جاری مؤسسه رتبه‌بندی استاندارد پورز چشم‌انداز اعتباری ایالات متحده را از AAA به AA منفی برای ۱۲ تا ۱۸ ماه آینده کاهش داد. در ۶ آگوست ۲۰۱۱، این مؤسسه رتبه اعتباری ایالات متحده آمریکا را به AA مثبت برای اولین بار در تاریخ این کشور کاهش داد.

در کنگره ایالات متحده آمریکا، بین احزاب دمکرات و جمهوریخواه بر سر بدهی ایالات متحده آمریکا عدم توافق وجود دارد. با این وجود در ۲ آگوست ۲۰۱۱، توافقی صورت گرفت که با امضای باراک اوباما سقف بدهی افزایش یافته و به قانون کنترل بودجه ۲۰۱۱ اضافه شد، این قانون از یک ورشکستگی مالی احتمالی جلوگیری کرد.

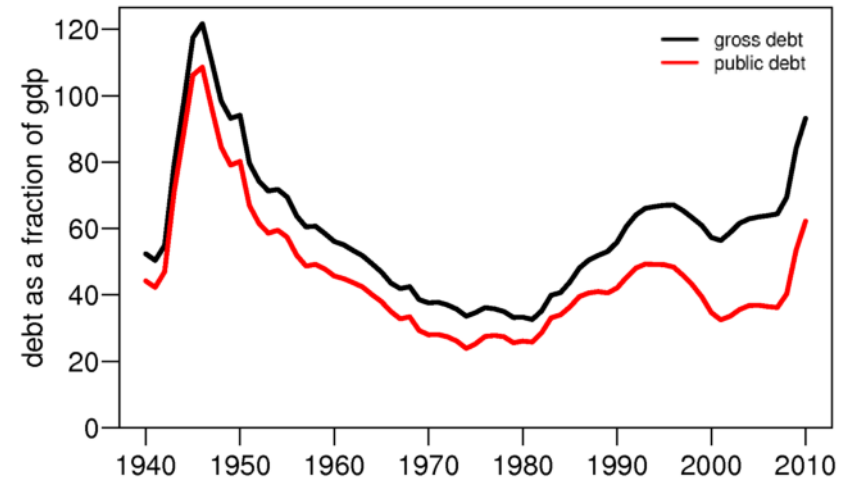
نمودار ۱. روند بدهی عمومی و بدهی ناخالص (بدهی کل) آمریکا ۱۹۴۰-۲۰۱۰

برحسب تریلیون دلار سال ۲۰۱۰





نمودار ۲. روند نسبت بدهی عمومی و بدهی ناخالص (بدهی کل) به تولید ناخالص داخلی آمریکا ۱۹۴۰-۲۰۱۰



### تاریخچه

ایالات متحده آمریکا از زمان شکل‌گیری، بدهی عمومی داشته است. بدهی‌ها در طول جنگ انقلابی آمریکا به وجود آمده و تحت مواد کنفدراسیون در ۱ ژانویه ۱۷۹۱ بالغ‌بر ۷۵ میلیارد دلار بود. از سال ۱۷۹۶ تا ۱۸۱۱، ۱۴ سال مازاد بودجه و تنها دو سال کسری بودجه وجود داشت. اولین رشد سریع بدهی به دلیل جنگ سال ۱۸۱۲ رخ داد. در بیست سال بعد از جنگ مذکور، ۱۸ سال مازاد بودجه وجود داشت که به پرداخت ۹۹/۹ درصد از بدهی‌ها منجر شد.

دومین رشد سریع بدهی به دلیل جنگ داخلی اتفاق افتاد. میزان بدهی در سال ۱۸۶۰ فقط ۶۵ میلیون دلار بود، اما در سال ۱۸۶۳ از یک میلیارد دلار عبور کرده و در

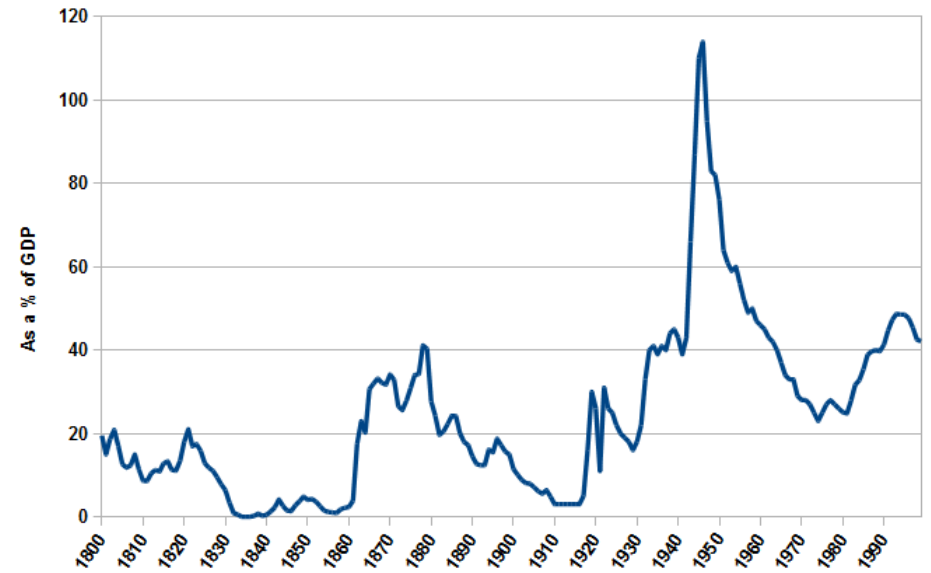
طول جنگ به ۲/۷ میلیارد دلار رسید. در طول ۴۷ سال بعد از جنگ ۳۶ سال مازاد بودجه و ۱۱ سال کسری بودجه وجود داشت. در طول این دوره ۵۵ درصد از بدهی ملی ایالات متحده پرداخت گردید.

دوره بعدی رشد سریع بدهی در طول جنگ جهانی اول بود که آن به ۲۵/۵ میلیارد دلار رسید. بعد از جنگ جهانی اول ۱۱ سال مازاد بودجه متوالی وجود داشت و بدهی عمومی به ۳۶ درصد کاهش یافت.

برنامه‌های اجتماعی مصوب در طول رکود بزرگ و درگیر شدن ایالات متحده در جنگ جهانی دوم در طول ریاست‌جمهوری روزولت و ترومن در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ سبب افزایش شدید بدهی عمومی از ۱۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۳۰ به ۲۶۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۵۰ شد. زمانی که روزولت در سال ۱۹۳۳ زمام امور را به دست گرفت بدهی ملی در حدود ۲۰ میلیارد دلار بود (معادل ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی). در طول اولین دوره ریاست‌جمهوری روزولت، کسری بودجه سالیانه بین ۲ تا ۵ درصد تولید ناخالص داخلی بود. تا سال ۱۹۳۶ بدهی ملی به ۳۳/۷ میلیارد دلار افزایش یافت (معادل ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی). نسبت بدهی ناخالص به تولید ناخالص داخلی تا آخر جنگ جهانی دوم به ۱۰۰ درصد تولید ناخالص داخلی رسید.



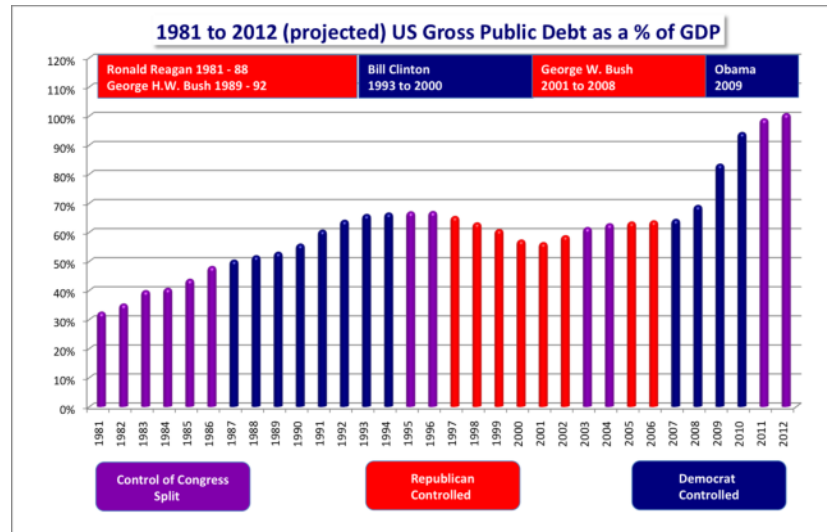
نمودار ۳. روند نسبت بدهی عمومی ناخالص به تولید ناخالص داخلی ایالات متحده آمریکا



بعد از این دوره، رشد بدهی عمومی ناخالص تقریباً برابر با نرخ تورم بود و بدهی عمومی از ۲۶۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۵۰ به حدود ۹۰۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ افزایش یافت. بدهی ناخالص، برحسب دلار اسمی در طول ریاست جمهوری ریگان و بوش از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۲ چهار برابر شد. بدهی عمومی خالص برحسب دلار اسمی پنج برابر شد. نسبت بدهی عمومی ناخالص به تولید ناخالص داخلی بعد از جنگ جهانی دوم کاهش یافته سپس در طول دهه ۱۹۸۰ در طول جنگ سرد افزایش یافت، در طول دهه ۱۹۷۰، بدهی در دست مردم از ۲۸ درصد تولید ناخالص داخلی به ۲۶ درصد کاهش یافت اما در طول دهه ۱۹۸۰ به ۴۱ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش یافت.

بین سال‌های ۱۹۹۲ و ۲۰۰۰ بدهی عمومی افزایش و سپس کاهش یافت. در طول دهه ۱۹۹۰، بدهی در دست مردم به ۵۰ درصد رسید و سپس تا انتهای دهه به ۳۹ درصد کاهش یافت. در طول ریاست جمهوری جورج بوش بدهی عمومی ناخالص از ۵/۷ تریلیون دلار در ژانویه ۲۰۰۱ به ۱۰/۷ تریلیون دلار در دسامبر ۲۰۰۸ افزایش یافت. تحت ریاست جمهوری باراک اوباما تا فوریه ۲۰۱۱ بدهی از ۱۰/۷ تریلیون دلار به ۱۴/۲ تریلیون دلار افزایش یافت. نسبت بدهی عمومی در دست مردم به تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۰۸ در حدود ۴۰ درصد بود، اما تا سال ۲۰۱۰ این رقم به ۶۲ درصد رسید.

نمودار ۴. روند نسبت بدهی عمومی ناخالص به تولید ناخالص داخلی ایالات متحده آمریکا به تفکیک دوره ریاست جمهوری





## حجم بدهی‌ها

کل بدهی ملی ناخالص، مجموع بدهی نگهداری شده در دست مردم و بدهی نگهداری شده توسط سازمان‌های دولتی است. تا فوریه ۲۰۱۱، بدهی نگهداری شده توسط مردم ۹/۶۰ تریلیون دلار و بدهی نگهداری شده توسط سازمان‌های دولتی ۴/۶ تریلیون دلار بود که در مجموع بالغ بر ۱۴/۲ تریلیون دلار می‌شود.

بدهی ملی را برحسب اوراق بهادار بازاری و غیربازاری نیز طبقه‌بندی می‌کنند. تا فوریه ۲۰۱۱، کل اوراق بهادار بازاری ۹ تریلیون دلار بود درحالی که اوراق غیربازاری ۵/۲ تریلیون دلار بود. قسمت اعظم اوراق بهادار بازاری به صورت اوراق خزانه، اوراق قرضه و گواهی‌هایی است که توسط سرمایه‌گذاران و دولت‌ها در جهان نگهداری می‌شود. اوراق بهادار غیربازاری اغلب در حساب‌های دولت نگهداری شده و متعلق به صندوق‌های پس‌انداز دولتی مانند صندوق پس‌انداز تأمین اجتماعی است که در سال ۲۰۱۰ بالغ بر ۲/۵ تریلیون دلار بود. سایر صاحبان دولتی بزرگ دیگر شامل اداره مسکن فدرال، صندوق شرکت وام و پس‌انداز فدرال و صندوق پس‌انداز بیمه درمانی فدرال (تأمین خدمات درمانی سالخوردگان) هستند.

## عدم شمول دیون ضمانت شده

در سال ۲۰۰۸، دولت فدرال آمریکا مقادیر زیادی از دیون صندوق‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و شرکت‌های مالی مربوط به برنامه‌های مقابله با مشکلات اقتصادی بحران

مالی اواخر سال ۲۰۰۰ را ضمانت کرد. این ضمانت‌ها در خارج از ترازنامه<sup>۱</sup> محسوب شده و بنابراین در محاسبات بدهی فدرال نادیده گرفته می‌شوند. سرمایه‌گذاری‌های مستقیمی که در واکنش به بحران تأمین مالی شدند مانند آنهایی که تحت برنامه کمک به دارایی‌های مشکل‌دار انجام شد در محاسبات بدهی ثبت می‌شوند.

## نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی معیاری برای اندازه‌گیری کل تولید اقتصاد است. یک معیار برای اندازه‌گیری بار بدهی دولت، نسبت اندازه بدهی به تولید ناخالص داخلی است. در سال مالی ۲۰۰۷، بدهی فدرال ایالات متحده که توسط مردم نگهداری می‌شد در حدود ۵ تریلیون دلار (۳۶/۵ درصد تولید ناخالص داخلی) و کل بدهی ۹ تریلیون دلار (۶۵/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی) بود. بر مبنای بودجه سال ۲۰۱۰ ایالات متحده، حجم بدهی‌های ملی تا سال ۲۰۱۵ دو برابر خواهد شد. بر اساس منابع اطلاعاتی بودجه‌ای دولت مانند دیوان محاسبات (GAO)،<sup>۲</sup> خزانه‌داری و اداره بودجه کنگره (CBO) مسیر مالی ایالات متحده آمریکا ناپایدار است.

همان‌طور که نسبت بدهی افزایش می‌یابد، ارزش دلار کاهش می‌یابد. بازپرداخت بدهی بر اساس دلار ارزان‌تر سبب می‌شود که سرمایه‌گذاران (شامل سایر دولت‌ها) نرخ‌های بهره بالاتری را مطالبه کنند. پرداخت نرخ‌های بهره بالاتر می‌تواند رشد اقتصادی ایالات متحده را کند کند. بدهی بیشتر، پرداخت بهره مربوط به بدهی را

1. Off-Balance Sheet

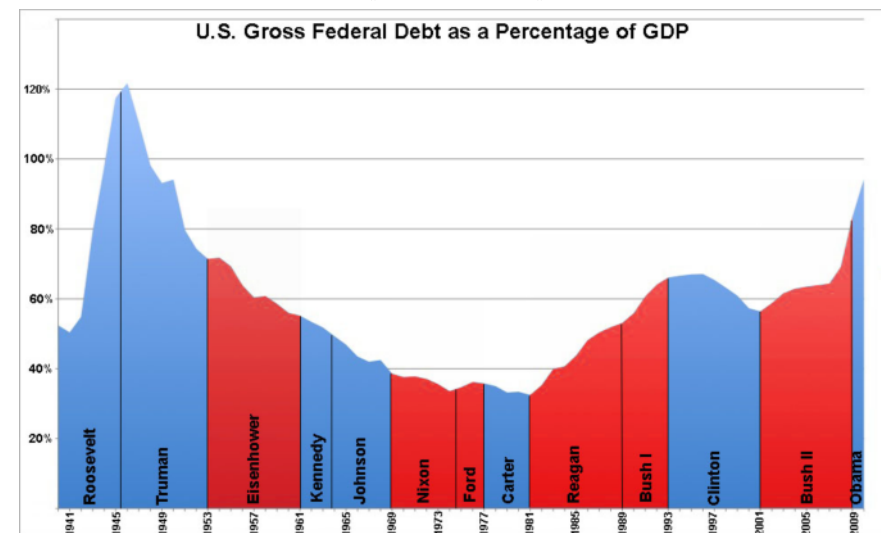
2. Government Accountability Organization



افزایش می‌دهد که تقریباً سالیانه از ۴۳۰ میلیارد دلار فراتر می‌رود. به عبارت دیگر به ازای هر دلار مالیات ۱۵ سنت آن مربوط به پرداخت بهره است. طبق اطلاعات سال ۲۰۱۰، در دنیا ۹ کشور نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی فراتر از ۱۰۰ درصد دارند که بزرگترین آنها ژاپن با تقریباً ۲۲۵ درصد است.

نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی بالاتر می‌تواند از رشد اقتصادی بکاهد. طبق محاسبات اقتصاددانان، کشورهای با نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی بالاتر از ۹۰ درصد به طور متوسط ۱/۳ درصد رشد اقتصادی کمتر از کشورهای کمتر بدهکار دارند. با رشد اقتصادی کمتر همه چالش‌های اقتصادی که ایالات متحده با آن روبرو است بدتر خواهد شد.

#### نمودار ۵. روند حجم بدهی و نسبت بدهی عمومی ناخالص به تولید ناخالص داخلی ایالات متحده آمریکا



### سقف بدهی

بند «۸» ماده (۱) قانون اساسی ایالات متحده آمریکا به کنگره قدرت منحصر به فرد استقراض براساس اعتبار ایالات متحده را می‌دهد. از زمان تشکیل این کشور تا سال ۱۹۱۷ کنگره برای هر استقراضی به صورت جداگانه تصمیم می‌گرفت. به منظور انعطاف‌پذیری بیشتر تأمین مالی در جنگ جهانی اول، کنگره این روش را توسط قانون اوراق قرضه سال ۱۹۱۷ تصحیح کرد.

تحت این قانون کنگره یک سقف کلی یا حد مجاز برای اوراق قرضه‌ای که دولت می‌تواند انتشار دهد، تعیین می‌کند.

سقف کلی بدهی شامل همه بدهی دولت فدرال است که در قانون بدهی عمومی در سال ۱۹۳۹ و ۱۹۴۹ وضع شد. خزانه‌داری از طرف کنگره مسئول انتشار اوراق قرضه برای تأمین مالی عملیات مالی دولت است و نباید از سقف بدهی تعیین شده فراتر رود. از سال ۱۹۷۹ مجلس نمایندگان به طور خودکار سقف بدهی را در زمان تصویب بودجه افزایش داده است.

در ۱۲ فوریه سال ۲۰۱۰ سقف بدهی ایالات متحده به ۱۴/۳ تریلیون دلار افزایش یافت. مجلس نمایندگان و مجلس سنا و رئیس‌جمهور توافقنامه‌ای را تصویب کردند که طبق آن پیش‌شرط‌های مشخصی راجع به کاهش بالقوه در مخارج دفاعی، بهداشت، درمان و تأمین اجتماعی مورد توافق قرار گرفتند.

به علاوه، قدرتی برای بررسی یا ارائه پیشنهاد در مورد افزایش مالیات‌ها یا کاهش مخارج به کمیته جدید با ترکیب برابری از اعضای دمکرات و جمهوریخواه داده شد.



## رتبه اعتباری

مؤسسات رتبه‌بندی اعتباری، رتبه اعتباری کشورها را اعلام می‌کنند. رتبه اعتباری نشان می‌دهد که برحسب شاخص‌های آن مؤسسه یک کشور چقدر توانایی بازپرداخت بدهی‌هایش را دارد. رتبه اعتباری، نرخ بهره‌ای که باید هر کشور برای بدهی‌اش بپردازد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در آوریل ۲۰۱۱ مؤسسه اعتباری استاندارد پورز چشم‌اندازی منفی برای رتبه اعتباری AAA (بالاترین رتبه اعتباری) ایالات متحده اعلام کرد. طبق نظر این مؤسسه، پیشرفت معنی‌داری به سمت تعادل بودجه لازم است تا چشم‌انداز اعتباری ایالات متحده به وضعیت باثبات برگردد. در ۵ آگوست ۲۰۱۱، مؤسسه استاندارد پورز رتبه اعتباری ایالات متحده را به AA مثبت کاهش داد و چشم‌انداز آن را نیز منفی اعلام کرد.

## صاحبان اوراق بدهی

حدود نیمی از اوراق بدهی ایالات متحده آمریکا در اختیار «سازمان‌های دولتی و فدرال رزرو» است.

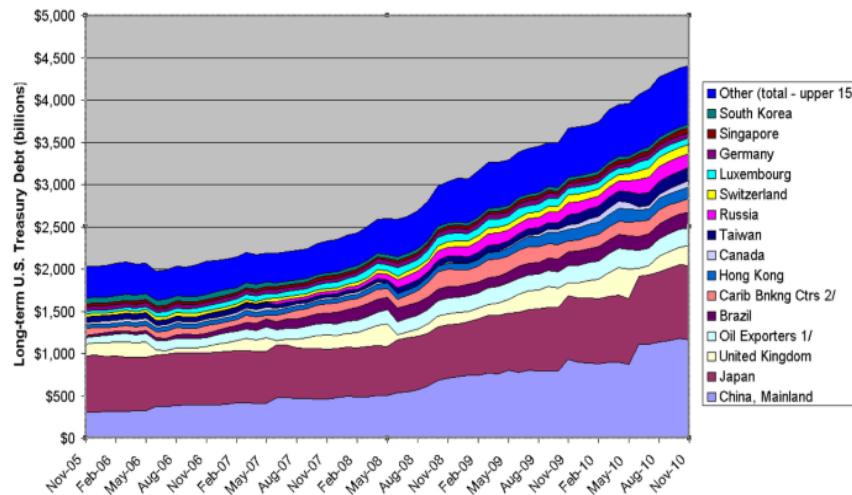
تا ژانویه ۲۰۱۱، کشورهای خارجی در حدود ۴/۴۵ تریلیون دلار از اوراق بدهی ایالات متحده را در اختیار دارند که در حدود ۳۲ درصد از کل بدهی ۱۴/۱ تریلیون دلار است. بزرگ‌ترین طلبکاران ایالات متحده، بانک مرکزی چین، ژاپن، انگلستان و برزیل هستند. سهم دولت‌های خارجی در طی زمان رشد کرده است و به بالاتر از ۲۵

درصد بدهی عمومی در سال ۲۰۰۷ رسیده است.

چین بزرگ‌ترین دارنده اوراق بدهی ایالات متحده است و ۲۶ درصد از کل اوراق خزانه ایالات متحده در دست کشورهای خارجی را داراست، این درحالی است که در سال ۲۰۰۰ این رقم تنها ۶ درصد بود. ژاپن نیز دومین دارنده اوراق بدهی ایالات متحده ۲۰ درصد از کل اوراق خزانه ایالات متحده در دست کشورهای خارجی را داراست.

نمودار ۶. روند نگهداری اوراق خزانه بلندمدت ایالات متحده آمریکا توسط سایر کشورها

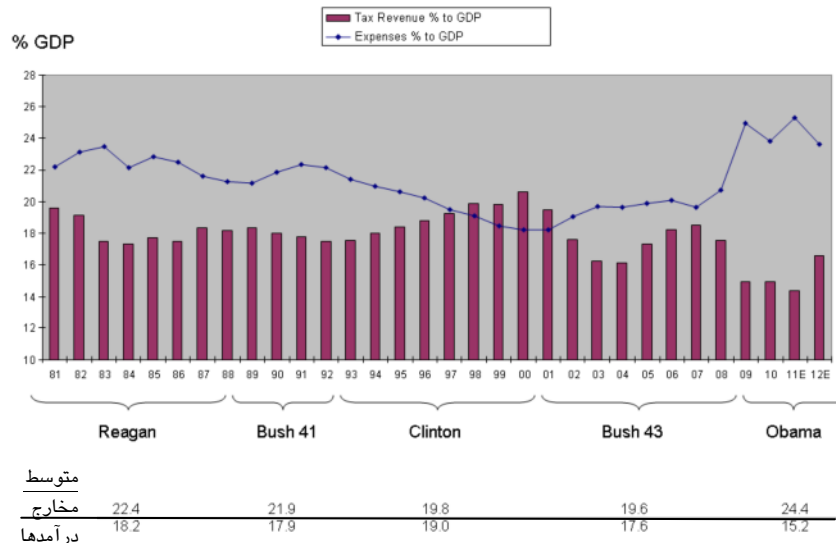
Foreign Holdings of U.S. Long-Term Treasury Debt





در حالی که مالیات‌ها ۴/۷ درصد تولید ناخالص داخلی (از ۱۹/۵ درصد تولید ناخالص داخلی به ۱۴/۸ درصد) کاهش یافته است. مخارج افزایش یافته برحسب درصد از تولید ناخالص داخلی عبارتند از: بهداشت و درمان (۱/۷ درصد)، دفاع (۱/۶ درصد)، مزایای بیکاری و غذا (۱/۴ درصد)، تأمین اجتماعی (۰/۶ درصد) و سایر طبقات دیگر مخارج (۱/۲ درصد). کاهش مالیات‌ها برحسب درصد از تولید ناخالص داخلی عبارتند از: مالیات بر درآمد اشخاص (۳/۳- درصد)، مالیات بر حقوق (۰/۵- درصد)، مالیات بر شرکت‌ها (۰/۵- درصد) و سایر (۰/۴- درصد). نسبت سطح مخارج به تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۹ در ۴۰ سال اخیر بالاترین است، در حالی که نسبت دریافت‌های مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در ۴۰ سال اخیر کمترین است.

#### نمودار ۸. روند درآمدهای مالیاتی و مخارج به تولید ناخالص داخلی آمریکا ۱۹۸۱-۲۰۱۲

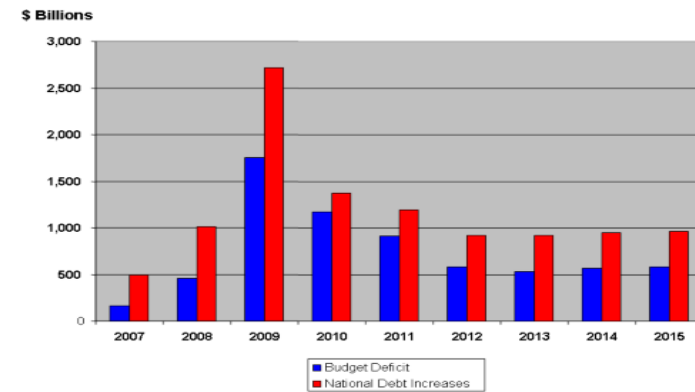


Source Data: Congressional Budget Office; 2011 Budget

#### علل اصلی رشد فزاینده بدهی ایالات متحده آمریکا

دو عاملی که سبب ایجاد بدهی می‌شوند عبارتند از: افزایش مخارج و کاهش درآمدها. زمانی که مخارج از درآمدها بیشتر باشند بدهی پللی است که شکاف بودجه را پر می‌کند. بنابراین هر تحلیلی از علل تغییر در بدهی باید لزوماً شامل این دو عامل باشند. همانگونه که نمودار ۷ نشان می‌دهد زمانی که درآمد (مالیات‌ها) کاهش می‌یابد بدهی افزایش می‌یابد. به علاوه در سال‌های اخیر مخارج دولت علیرغم کاهش مالیات‌ها، افزایش یافته است. در نتیجه، وضعیت بودجه در آمریکا به‌طور مستمر بدتر شده است.

#### نمودار ۷. روند کسری بودجه و افزایش در بدهی ملی ایالات متحده آمریکا

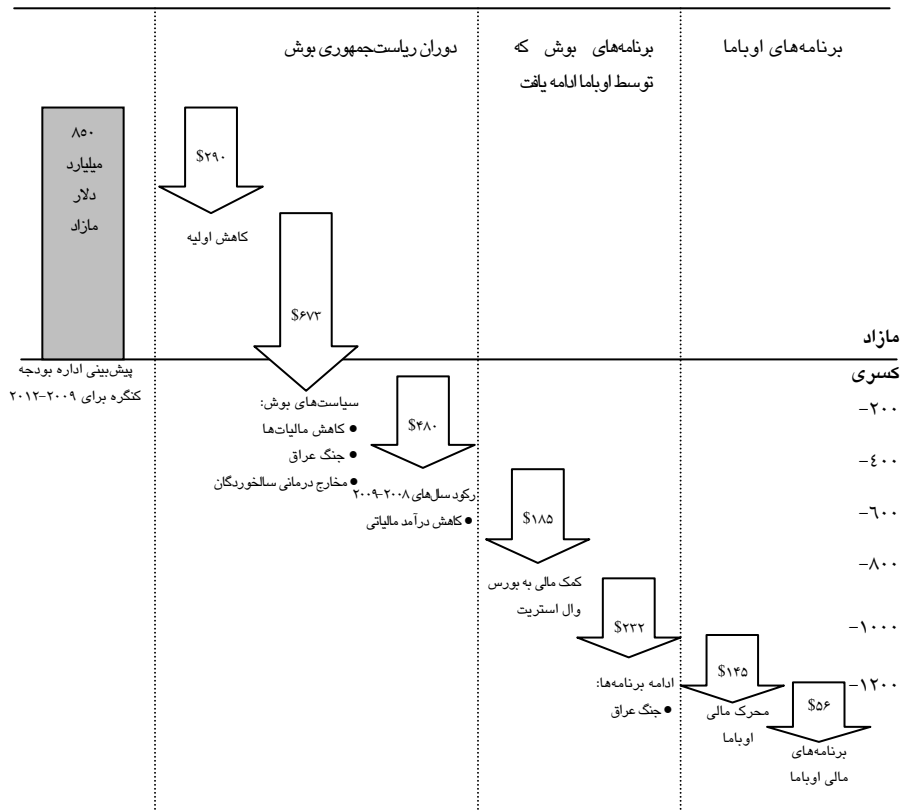


Source Data: 2010 Budget (OMB) & CBO Historical Data

طبق اطلاعات اداره بودجه کنگره (CBO)، ایالات متحده آخرین بار در سال مالی ۲۰۰۱ مازاد داشته است. از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۰۹ مخارج ۶/۵ درصد تولید ناخالص داخلی (از ۱۸/۲ درصد تولید ناخالص داخلی به ۲۴/۷ درصد) افزایش یافته است.



### نمودار ۹. علل تبدیل شدن پیش‌بینی مازاد بودجه به کسری بودجه



Source: NY Times Analysis of CBO Data

Note that CBO forecasts are based on law enacted at time of forecast Dollars in Billions.

وضعیت بودجه ایالات متحده آمریکا از سال ۲۰۰۱ به‌طور معناداری بدتر شده است در آن زمان اداره بودجه کنگره (CBO) پیش‌بینی می‌کرد که در سال‌های ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۲ به‌طور متوسط مازاد بودجه تقریبی ۸۵۰ میلیارد دلار وجود داشته باشد. این درحالی است که در هر یک از این سال‌ها به‌طور متوسط کسری بودجه‌ای به میزان ۱/۲۱۵ تریلیون دلار وجود داشته است. چهار علت اصلی تبدیل این مازاد بودجه به کسری بودجه عبارتند از:

- رکود و سیکل تجاری (۳۷ درصد)،
- سیاست‌های اعمال شده توسط ریاست‌جمهوری بوش (۳۳ درصد)،
- سیاست‌های اعمال شده توسط رئیس‌جمهور بوش و حمایت شده یا بسط‌یافته توسط رئیس‌جمهور اوباما (۲۰ درصد)،
- سیاست‌های جدید رئیس‌جمهور اوباما (۱۰ درصد).



## آثار اقتصادی سطح بدهی بالا

سطح بالای بدهی می‌تواند تورم، نرخ بهره و رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. عوامل گوناگون، فشار فزاینده‌ای را بر ارزش دلار، افزایش ریسک تضعیف دلار یا تورم و چالش‌هایی که برای نقش دلار به‌عنوان یک پول ذخیره جهانی وجود دارد، وارد می‌کنند. اگر پول دیگری یا سبدهی از ارزها جایگزین دلار به‌عنوان یک پول ذخیره شود، ایالات متحده با نرخ‌های بهره بالاتر برای جذب سرمایه و کاهش رشد اقتصادی در بلندمدت مواجه خواهد شد.

اداره بودجه کنگره، چندین عامل تأثیرگذار افزایش بدهی بر رشد اقتصادی را بدین قرار می‌داند:

۱. بخشی از پس‌انداز جامعه به سمت خرید بدهی دولت می‌رود به‌جای آنکه در کالاهای سرمایه‌ای مولد مانند کارخانجات سرمایه‌گذاری شود، در نتیجه سبب تولید و درآمد کمتر خواهد شد.
۲. اگر نرخ‌های مالیاتی بالاتر برای پرداخت افزایش هزینه‌های بهره صرف شود، پس‌انداز کاهش خواهد یافت و فعالیت اقتصادی تضعیف می‌شود.
۳. افزایش هزینه‌های بهره به کاهش برنامه‌های مهم دولت منجر خواهد شد.
۴. محدودیت‌هایی بر توانایی سیاستگذاران در استفاده از سیاست مالی برای واکنش به چالش‌های اقتصادی به‌وجود می‌آید.
۵. خطر فزاینده بحران مالی ناگهانی که در آن سرمایه‌گذاران نرخ‌های بهره بالاتری را مطالبه خواهند کرد.

## آینده وضعیت مالی دولت فدرال

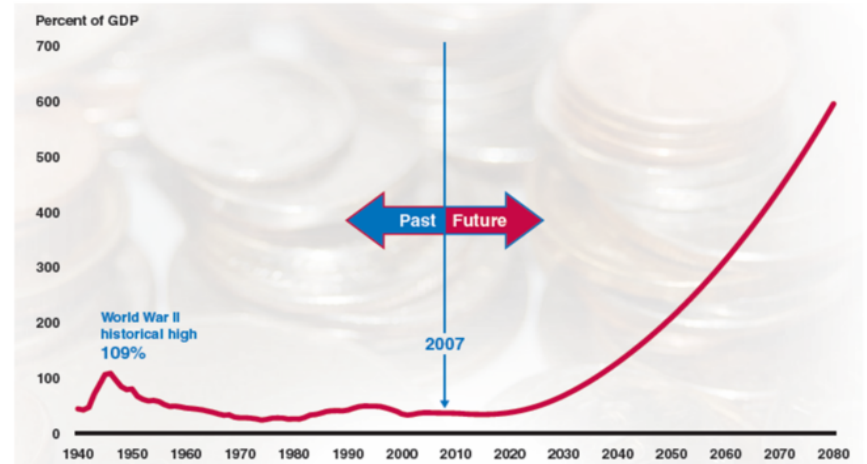
چندین مؤسسه دولتی تحلیل بودجه و بدهی ایالات متحده را برعهده دارند که شامل دیوان محاسبات (GAO)، اداره بودجه کنگره (CBO)، اداره مدیریت و بودجه (OMB) و خزانه‌داری ایالات متحده هستند. این مؤسسات گزارش دادند که دولت فدرال با یک سری چالش‌های مهم مالی بلندمدت روبرو است. این چالش‌ها ناشی از مخارج مربوط به برنامه‌های ضروری مانند تأمین اجتماعی، بهداشت و درمان و تأمین خدمات درمانی سالخورده‌گان است که سریع‌تر از اقتصاد درحال رشد هستند زیرا جمعیت درحال پیر شدن است.

این مؤسسات نشان داده‌اند که تحت شرایط جاری، زمانی بین سال‌های ۲۰۳۰ و ۲۰۴۰، مخارج ضروری (تأمین اجتماعی، بهداشت و درمان، تأمین خدمات درمانی سالخورده‌گان و بهره بدهی ملی) از درآمدهای مالیاتی فراتر خواهد رفت. به‌عبارت دیگر، سایر مخارج (مانند دفاع، امنیت کشور، آموزش و...) نیاز به استقراض دارند. این مؤسسات به این شرایط، «وضعیت مالی ناپایدار» می‌گویند.

در ژوئن سال ۲۰۱۰، رئیس سابق فدرال رزرو آلن گرین اسپن گفت: «تنها کاهش قابل توجه یا سهمیه‌بندی مخارج بهداشت و درمان، افزایش سن بازنشستگی یا تورم شدید می‌تواند این کسری بودجه را از بین ببرد». اگر اصلاحات قابل توجه‌ای صورت نگیرد، مخارج برنامه‌های ضروری از درآمد دولت در حدود ۴۰ تریلیون دلار در ۷۵ سال آینده فراتر خواهد رفت. طبق نظر دیوان محاسبات (GAO)، این امر نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی را تا سال ۲۰۴۰ دو برابر خواهد کرد و تا سال ۲۰۶۰ دوباره دو برابر خواهد شد و تا سال ۲۰۸۰ به ۶۰۰ درصد خواهد رسید.



نمودار ۱۰. روند نسبت اوراق بدهی ایالات متحده آمریکا در دست مردم به تولید ناخالص داخلی



### هزینه‌های بهره

هزینه‌های بهره بدهی عمومی تقریباً ۲۴۰ میلیارد دلار در سال مالی ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ بود (تقریباً ۹/۵ درصد کل مخارج دولت). بهره چهارمین طبقه بزرگ مخارج بودجه بعد از دفاع، تأمین اجتماعی و تأمین خدمات درمانی سالخورده‌گان است. علیرغم سطوح بالای بدهی، هزینه‌های بهره به ۱۸۹ میلیارد دلار (۵ درصد مخارج) در سال ۲۰۰۹ کاهش یافت که ناشی از نرخ‌های بهره پایین‌تر بود.

در طول سال مالی ۲۰۰۸، دولت هزینه‌های بهره غیرنقدی برای بدهی به سازمان‌های دولتی (عمدتاً متعلق به صندوق پس‌انداز تأمین اجتماعی) را در حدود ۲۱۲ میلیارد دلار برآورد کرد که کل هزینه‌های بهره را در آن سال به ۴۵۴ میلیارد

دلار می‌رساند. این میزان بهره به طلب صندوق پس‌انداز تأمین اجتماعی اضافه می‌شود، بنابراین بدهی مالی هر سال اضافه می‌شود که باید در آینده به آن سازمان پرداخت شود. اداره بودجه کنگره تخمین می‌زند که تقریباً نیمی از بدهی که در طی دوره ۲۰۰۹-۲۰۱۹ افزایش می‌یابد از مخارج بهره‌ای خواهد بود.

### آیا بدهی به سازمان‌های دولتی واقعاً بدهی تلقی می‌شود؟

حجم بدهی دولت فدرال به سازمان‌های دولتی بالغ بر ۴/۶ تریلیون دلار در فوریه ۲۰۱۱ است که بخش اعظم آن متعلق به صندوق پس‌انداز تأمین اجتماعی (۲/۶ تریلیون دلار) است.

اوراق بدهی در دست مردم اهمیت بالایی دارند چون، اندازه‌ای که دولت در بازار اعتبار بخش خصوصی برای استقراض وارد شده است را نشان می‌دهد. این نوع از استقراض پس‌انداز ملی بخش خصوصی و پس‌انداز بین‌المللی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بنابراین رقیبی برای سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی (برای کارخانجات و تجهیزات، تحقیق و توسعه، مسکن و...) محسوب می‌شود. افزایش قابل توجه این نوع از استقراض می‌تواند نرخ‌های بهره را افزایش داده و مقدار هزینه‌های بهره دولت فدرال را در آینده افزایش دهد که بخشی از آن به طلبکاران خارج از ایالات متحده پرداخت می‌شود که درآمد آمریکایی‌ها را کاهش می‌دهد، اما بدهی به سازمان‌های دولتی (جزء دیگر بدهی ناخالص) چنین آثاری ندارد زیرا آن در واقع پولی است که دولت فدرال به خودش بدهکار است.



اگر ایالات متحده به ایجاد کسری بودجه در آینده ادامه دهد، این کشور باید اوراق خزانه بازاری انتشار دهد تا بتواند از عهده برنامه‌های تأمین اجتماعی برآید که به جایگزینی «بدهی در دست عموم» به جای «بدهی به سازمان‌های دولتی» منجر خواهد شد.

### ساعت بدهی ملی

در چندین شهر در ایالات متحده، ساعت‌هایی نصب شده است که بدهی دولت را نشان می‌دهد. همچنین در این ساعت‌ها، بدهی سرانه و بدهی به‌ازای هر خانوار را نشان می‌دهد. در این ساعت‌ها میزان بدهی هر روز تغییر می‌کند و بالا و پایین می‌رود که باید به‌طور دائم مقادیر آن تنظیم شود. اولین و مشهورترین آن، ساعت بدهی ملی نصب شده در نزدیکی میدان تایمز در شهر نیویورک است.

### منبع و مأخذ

برای تهیه این گزارش مطالب منتشر شده در آدرس زیر خلاصه شده است:  
[en.wikipedia.org/wiki/united-states-public-debt](https://en.wikipedia.org/wiki/united-states-public-debt)  
مطالب منتشر شده در آدرس فوق دارای ۱۶۸ ارجاع می‌باشد.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۱۰۰۷

عنوان گزارش: بحران بدهی ایالات متحده آمریکا (بررسی مقدماتی)

نام دفتر: مطالعات برنامه و بودجه (گروه بودجه)

تهیه و تدوین: شاهین جوادی

ناظر علمی: محمد قاسمی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. بحران بدهی

۲. کسری بودجه

۳. بحران مالی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۶/۲